



۱۲۵ ۳۷۳۷

از نیویورک یادگار خوين

خاطرات عبدالرحيم افشار

بازنويسی و تدوين: مريم بذرافشان

سرشناسه: افشار، عبدالرحیم، ۱۳۲۶

عنوان و نام پدیدآور: از نیویورک تا دارخوین خاطرات عبدالرحیم افشار / بازنویسی و تدوین مریم بذرافشان
مشخصات نشر: کرج: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر
ارزشهای دفاع مقدس استان البرز ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری: ۱۹۴ تصویر رقیعی

شابک: ۵۰۰۰۰ ریال: ۹-۳-۹۳۵۸۹-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: افشار، عبدالرحیم، ۱۳۲۶ --- خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - خاطرات

شماره جزوه: بذرافشان، مریم، ۱۳۵۰

شماره افزودنی: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای
دفاع مقدس استان البرز

رده بندی ده: ۱۳۵۱/۱۱۷۳۲۹/DSR

رده بندی دیویی: ۴۳۰/۹۵۵

شماره کتابشناسی: ۱۰۲۰۶۲۸

عنوان کتاب: از نیویورک تا دارخوین، خاطرات عبدالرحیم افشار



اداره کل حفظ آثار و
نشر ارزشهای دفاع مقدس
استان البرز

نویسنده: عبدالرحیم افشار

بازنویسی و تدوین: مریم بذرافشان

ویراستار: اکرم زیبایی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۵۸۹-۳-۹

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

طراحی جلد و صفحه آرایی: شهرام کسایی

ناشر: اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان البرز

نشانی: کرج-۴۵ متری گلشهر- بلوار هوشیار خیابان شهید فرهاد جهانی

تلفن: ۰۲۶۳۴۶۰۹۵۹۰

دورنگار: ۰۲۶۳۴۶۰۹۵۹۱

مهرست:

۴	یادداشت نخست
۵	مقدمه
۶	فصل اول، عزیمت به آمریکا
۴۴	فصل دوم: بازگشت
۵۵	فصل سوم: ورود به ایران
۵۸	فصل چهارم: حضور
۹۳	فصل پنجم: عزیمت به آبادان
۱۳۵	فصل ششم: بازگشت به شادگان
۱۴۳	فصل هفتم: اندیمشک
۱۶۵	فصل هشتم: ماه رمضان
۱۷۱	فصل نهم: فصل پایانی
۱۷۹	فصل دهم: صفحه آخر

یادداشت نخست

با گذشت بیست و چند سال از پایان جنگ و با وجود انتشار دهها کتاب در این زمینه و چاپ هزاران خاطره از رزمندگان در کتابها و مجلات و روزنامهها، گاهی با یک نفر روبرو می‌شوی که خاطراتش از جنس دیگر است. تکراری نیست و تو را همراه خود تا آنجایی که دلت می‌خواهد با او همراه شوی و دارخوین را ببینی. دلت می‌خواهد به اندیشه‌هایش بروی و در خیابانها و کوچه‌های دزفول قدم بزنی. گاهی می‌بینی دلت می‌خواهد برای یک بار هم که شده حیاط خانه‌ی پدری جلوی چشمانت ظاهر شود و حوسب و عچه همان‌طور دست‌نخورده منتظر نگاهت باشد.

روبه‌رو شدن با آقای افشار بعضی مواجه شدن با همین دست‌خاطرات. کسی که زندگی در آمریکا را رها می‌کند و به ایران بازمی‌گردد. قبل از شروع جنگ به جنوب می‌رود. در ایران با ورودش اولین حمله‌های عراق آغاز می‌شود. او می‌ماند و در قسمت‌های مختلف، مبارزه، خدمت و کار می‌کند.

سال ۱۳۹۰ بود که خاطرات دست‌نویس ایشان به دستم رسید. حدود دویست و خورده‌ای صفحه که با مداد و بسیار خوش خط نوشته شده بود. متن تایپ شده نوشته‌ها را گرفتم و شروع به ویرایش متن کردم. در ویرایش به متوجه حساسیت و تعصب آقای افشار نسبت به متن اصلی شدم. گویی ایشان می‌خواست این خاطرات دست‌نخورده باقی بمانند. با توجه به این موضوع دست به کار شدم. اما بعضی قسمت‌ها باید حذف می‌شد و قسمت‌هایی هم نیاز به بازنویسی داشت. کار سختی بود و تجربه‌ای متفاوت. حاصل این کار و چند ساعت مصاحبه تکمیلی، کتاب پیش روی شماست. کتابی با عنوان «از نیویورک تا دارخوین».

مقدمه

نه سال‌ها که دهه‌های اخیر، همواره به دنبال موقعیت و آرامشی بودم تا بتوانم آن‌چه را در صفحه‌ی خاطر، ثبت و ضبط داشته‌ام، به رشته‌ی تحریر درآورم. وقایعی که از میان رویدادهای مختلف دوران پرماجرای زندگی‌ام، باعث تغییری شگفت در رویه و روحیات و مسیر انسانی‌مانده‌ی حیاتم گردید. تغییرات اجتماعی و سیاسی، تنگناهای مالی و وضعیت دشوار جسمی و جسمی، نتوانسته‌اند در نهال فکری‌ام تأثیر داشته باشند. چرا که این تغییر، با همه‌ی فراز و نشیب‌هایش آمده در زندگی شخصی‌ام، در اعماق وجودم ریشه دوانده و به مرور رشد نموده را استحکام یافته است تا جایی که:

رشته‌ای بر گردنم افکنده است می‌کشد هر جا که خاطر خواه اوست
 جوانی بودم با کوهی از سواد در سینه‌ی پی‌فتح قله‌ی آن بودم، این، با آن‌چه پدرم در اعمال و تفکراتش به وضوح دیده می‌شد کاملاً مغایرت داشت و نمی‌توانستم او را آن‌طور که باید درک کنم. او درون خاک را می‌نگ بست تا زراموش نکند حقیقت را و من در رؤیای فتح قله بودم، غافل از زمان محدود زندگی.

شاید این نوع تفکر، خاص جوانان در اوج جوانی‌شان باشد. به مرور تغییراتی در آن به وجود آید. اما اگر نتوانند به آن برسند، خود را سرخورده و غریبی‌یابند و تأثیرات سوء آن در مراحل بعدی زندگی، اجتناب‌ناپذیر است. مگر آن‌که با ماقبلیت برسند که چون ریسمانی محکم، آن‌ها را از سقوط نگاهدارد یا چون بال‌هایی قدرتمند، آن‌ها را پرواز داده تا در اوج، به پایین‌ینگرند و دنیای حقیقی را از مجازی تمیز دهند.

آن‌چه در این کتاب آمده‌است، نمونه‌ای کوچک از تغییرات ناخودآگاه در تئرات است. تغییراتی که در جوانان غیرتمند دوران انقلاب روی داد و باعث خلق حماسه‌هایی بس شگفت شد. جوانان امروز به خوبی می‌توانند با تاسی از نسل بستر ساز گذشته و با توکل به قدرت لایزال الهی، به قله‌های حقیقی شوکت دست یابند.

«...الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور...»

عبدالرحیم افشار

بهار ۱۳۹۰